

Transnational Civil Society and
the Internet in an Unregulated Capitalist World System

**جامعه‌ی مدنی فرا ملی و اینترنت
در نظام نابسامان سرمایه داری جهان**

نویسنده: مرلینا لیم (Merlyna Lim)

عضو گروه تحقیقاتی ساختار فناوری اندونزی و نامزد دکتری دانشگاه Twente Enschede هلند

سال انتشار: دسامبر ۲۰۰۳

آدرس سایت مقاله:

http://www.ssrc.org/program_s/tic/publications/knowledge_report/menlos/lim.pdf

آدرس سایت نویسنده:

merlyn@bdg.centrin.net.id

<http://www.geocities.com>

کلید واژه ها: جامعه مدنی فرا ملی، گسیختگی اجتماعی، نسبی گرایی، هویت اینترنتی

چکیده

به نظر می رسد که پیدایش جامعه مدنی فراملی یکی از سودمندترین وجوه جهانی سازی باشد. فعالان سیاسی و اصلاح گران اجتماعی در کشورهای مختلف اکنون بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ بوسیله جهانی سازی شبکه ها در ارتباط تنگاتنگ قرار گرفته اند. در واقع پیشرفت در زمینه فن آوری ارتباطات، خصوصاً اینترنت، باعث تسهیل و رشد انتقال عقاید و رموز سازماندهی در سطح فراملی شده و احساس جدیدی در مورد جوامع، در میان سازمانهای اجتماعی مدنی در سطح کره خاکی ایجاد نموده است.

در ارتباط با این پدیده خارق العاده مقاله سورمان وریلی (۲۰۰۳) با عنوان «متناسب نمودن اینترنت برای تغییرات اجتماعی» دیدی آرمانگرایانه و بصیرانه به این موضوع دارد که اینترنت چگونه میتواند بوسیله جامعه مدنی فرا ملی به صورتی مدبرانه مورد استفاده قرار گیرد.

با تأکید بر متناسب سازی و استفاده مدبرانه از اینترنت برای تغییرات اجتماعی، مقاله آنان تحلیلی جامع و دقیق در مورد استفاده اجتماعی از اینترنت بوسیله جامعه مدنی فراملی ارائه می دهد. با این فرض که استفاده مدبرانه از اینترنت بوسیله جامعه مدنی فراملی، تغییرات اجتماعی را به دنبال خواهد داشت، این سؤال مطرح می شود که این موضوع چه نوع تغییرات اجتماعی را ایجاد خواهد کرد؟ آیا باعث تقویت مردم سالاری خواهد شد؟ و چه چیزهای دیگری ممکن است وجود داشته باشد که باعث شود نتایج این کار، پیچیده تر و بازتاب آن بغرنج تر گردد؟

مقاله حاضر در پی آن است که منظری وسیعتر را در مورد ارتباط بین اینترنت و جامعه مدنی فرا ملی ایجاد نماید. اینکار بوسیله گذاشتن این ارتباط بر سکوی نظام جهانی صورت میپذیرد که نظامی سرمایه داری است و این نظام لزوماً با پیدایش جامعه «مدنی» سازگار نیست. با اینکار میتوانیم فرایندهای متناسب سازی اینترنت برای تغییرات اجتماعی را دریابیم که در درون نظامی صورت میپذیرد که در آن به صورت روزمره نظام سرمایه داری به فضاهای جامعه مدنی وارد شده و خود را تحمیل میکند و عاملان

غیرمدنی نیز میتوانند از درون خود این جامعه مدنی برخیزند. اینترنت بعنوان یک فن آوری در این فرایندها به این عنوان که چه بازیگرانی بر دیگران تفوق داشته باشند، نقشی بی طرفانه ندارد.

مدنی در مقابل غیرمدنی، جامعه مدنی در مقابل شرکت های فراملی (TNC)

جامعه مدنی عبارتی پیچیده است. در حالیکه برای استفاده مناسب از آن لازم نیست به صورتی بسیار دقیق آن را معنا نماییم اما مسئله ای که در کنار آمدن با این مفهوم وجود دارد آنست که چگونه عواملان مدنی را از غیرمدنی در جامعه متمایز نماییم. بسیاری از نویسندگان درباره موضوع اینترنت تلویحاً این نظریه را بیان میدارند که در این ارتباط، جامعه مدنی مشکل ساز نیست اما ما میباید در مورد واقعیت جهان کندوکاو بیشتری نموده و بدانیم که بسیاری از اشکال ارتباطات و مشارکت های همگانی در میان مردم می تواند ضد مردمی، انسان گریزانه و متعصبانه باشد.

بعبارت دیگر برخی از عناصر جامعه به اصطلاح مدنی در واقع مدنی نیست، سازمانها و ساختارهای مدنی نا مناسبی نیز در بیرون وجود دارند- برخی از آنها خشونت طلب هستند - و آنان نیز با استفاده از اینترنت به همراه بسیاری از چنین سازمانهای اجتماعی مدنی فراملی، جهانی شده و ارزشهای ضد مردم سالاری را در سطح جهانی رواج می دهند. علاوه بر رواج این ارزشها آنان همچنین از اینترنت برای جذب نیرو، همفکری و ایجاد جنبش و تحرک در دیگران استفاده می کنند- تمامی استفاده هایی که جوامع مدنی فراملی خوب نیز احتمالاً از اینترنت انجام می دهند محققینی که ارزشهای جامعه مدنی فراملی را می ستایند چگونه می توانند با چنین فرایندی کنار بیایند؟

استفاده از فن آوری بوسیله جوامع بد مدنی، موضوع تازه ای نیست. البته اینترنت دارای خصوصیات اجتماعی و تکنیکی خاصی است که استفاده از آن را برای هر دو گروه اجتماعی خوب و بد، آسانتر و مناسب تر میسازد. باز بودن فن آوری، اینترنت را قادر میسازد که عناصر بد جامعه مدنی را بیش از هرگونه فن آوری ارتباطی دیگر جذب نماید.

میزان بالای آزادی از قوانین مرزی که در درون و ماهیت اینترنت وجود دارد هرچند که در واقع آزادی مطلق نیست اما هر سازمان اجتماعی مدنی و هر فردی را در کره خاکی قادر میسازد که هر نوع اطلاعاتی

را انتشار داده با هرکسی ارتباط برقرار نموده و هر نوع فعالیتی را بدون در نظر گرفتن ارزشهای اجتماعی پشت سر آن رواج دهد.

در وضعیت پسامدرن کنونی با ازهم گسیختگی اجتماعی، نسبی گرایی فرهنگی و شخص محوری شدید، موضوع تمایز خوب و بد به صورت فزاینده ای مبهم گردیده و از ارج گذاری یک گروه از ارزشها در مقابل دیگر ارزشها، هرچه بیشتر به زیر سؤال رفته است. (باربر ۱۹۹۶)

این مشاهدات، سؤالات مهمی را بر می انگیزد که چه کسی می باید استفاده از اینترنت را برای مقاصد مدنی به جای غیرمدنی تنظیم نماید و اساس هنجارسازی برای تمایز خوب از بد چیست. جامعه مدنی فراملی نمی تواند بر این فرض باشد که خود پلیس خود است. تمامی نظریه ها در مورد جامعه مدنی، این نکته را می پذیرند که دولت و یا شکلی از حکومت با نام مردم بر خشونت، قدرت مطلقه و انحصاری داشته باشد.

درحالیکه ممکن است به این نکته اعتقاد نداشته باشیم که دولتها در تلاش خود برای سامان دادن به جامعه مدنی به صورتی خیرخواهانه از جامعه مدنی حمایت می نمایند اما در هر صورت میباید این سؤال را پرسیم که چگونه میتوان به روش مدنی، استفاده از آن را حفظ نماییم. نکته دیگری که همان اندازه حائز اهمیت است، این واقعیت است که دنیایی را که اکنون در آن زندگی می کنیم دارای نظامی سرمایه داری است و علت وجودی و توجیه این نظام انباشت سرمایه است و نه عدالت اجتماعی (داگلاس و فریدمن ۱۹۹۸)

در این نظام منطق و قدرت سرمایه دربرکارگیری هر فن آوری وجود دارد. درحقیقت اینترنت به عنوان یک فن آوری هرگز در قبال اقتصاد و یا هر شکلی از قدرت، بی طرف نیست (باربر ۱۹۹۶)

استفاده های آن و دگرسانیهای مرتبط با آن، ریشه در ارتباط توان و اختیار فی مابین دولت، بازار (اقتصاد گروهی) و جامعه مدنی دارد. (لیم ط ۲۰۰۳)

این حقیقت که بزرگترین قسمت زیرساخت فن آوری اطلاعات و ارتباطات که شامل اینترنت نیز می شود در دست تعداد معدودی از شرکتهای فراملی بزرگ (TNCها) است نشان میدهد که چه میزان تعادل قدرتی این نظام که اینترنت به عنوان یک فن آوری بر پایه آن ساخته شده، نامساوی است.

برعکس در بعضی کشورها مانند چین و ویتنام، اینترنت تحت کنترل دولت است و بنابراین در این کشورها ارتباطات قدرتی کاملاً متفاوتی بر آن اعمال می‌شود. جامعه مدنی فراملی چگونه با وابستگیها به قدرت در مقوله های کنترل بر فن آوری، کانالهای رسانه ای و موضوع اطلاعات کنار می آید؟ چگونه به صورتی مدبرانه، تسلط و قدرت مطلقه شرکتهای فراملی و یا کنترل سختگیرانه دولت بر فن آوری اینترنت را مانع می‌شود؟ و هنگامی که از این قدرتهای مطلقه آزاد گردید چگونه زیاده رویهای غیرمدنی را محدود و کنترل می‌نماید؟

مقاله حاضر سه نکته را به منظور ارائه زیرساختی برای پرداختن به ایده آرمان شهری استفاده از اینترنت بوسیله جامعه مدنی فراملی از قرار زیر بیان می‌دارد:

- نخستین نکته شناخت نظام سرمایه داری جهانی است و اینکه این نظام چگونه قدرت خود را از طریق اینترنت اعمال می‌نماید.
- دومین نکته بررسی این موضوع است که چگونه بازیگرانی به جز شرکتهای فراملی با این وابستگیهای قدرتی در ارتباط با استفاده از اینترنت کنار می‌آیند، چگونه سازمانهای واسطه مانند ملی- دولتی و (انجمنهای غیردولتی) NGOها بین نظام جهانی و افراد واسطه می‌شوند تا دریابیم چگونه قدرت فیلترشده، دگرگون میگردد و یا حتی از پایین متناسب می‌شود.
- سومین نکته بررسی نیرو محرکه ای است که در پشت مبارزه بر سر فن آوری و استفاده های آن وجود دارد - نیروی هویت - که همچنین سؤالاتی را در مورد تنظیم درونی جامعه مدنی فراملی بر می‌انگیزد.

شرکتهای فراملی و مردم سالاری جهانی: غیرممکن؟

اندازه، میزان عمل و اهمیت شرکتهای فراملی در اقتصاد جهانی در ارتباط با مراکز قدرت در مقیاس جهانی و سطح ملی غیرمتعادل است. مردم سالاری بوسیله نیروی تعاملات پشت پرده (لابی کردن) آنان در خطر قرار می‌گیرد. ۱۰۰ شرکت بزرگ فراملی در دنیا بین چهار تا هفت درصد از تولید ناخالص جهانی را در دست دارند. توان آنها از روی اندازه شان کمتر از واقع سنجیده می‌شود به دلیل آنکه در حال حاضر بدلیل وجود قراردادهای مخفی و شرکاء سری نمیتوان این قدرت را سنجید

(UNCTAD 1999). نیمی از پنجاه ارگان مولد درآمد در دنیا شرکتها هستند و نه ملتها، و این یک راز عمومی است که شرکتهای فراملی توان هل دادن دولتها و نمایندگان ملتها در سازمانهای بین المللی را خصوصاً در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار دارند. این شرکتها توان تحت تأثیر قرار دادن دستگاههای قانونی و تنظیم کننده ملی را دارند.

در سال ۱۹۹۴ جان دورز سرمایه دار معروف پیش بینی کرد که شرکتهای اینترنتی ثروتی بیش از شرکتهای بزرگ تولید کننده کامپیوتر شخصی خواهند داشت. وی پیش بینی نمود که تا سال ۲۰۰۵ رشد بخش اینترنت از ۱۰۰ میلیون دلار در قسمت درآمد و ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه که شرکتهای بزرگ تولید کننده کامپیوتر شخصی بین سالهای ۹۸۰ تا ۱۹۹۰ تولید نمودند، فراتر خواهد رفت.

در واقع وی تقریباً درست پیش بینی نمود در اواسط ۱۹۹۹ حدود ۱۰۶ شرکت اینترنتی بر روی کاغذ ارزشی حدود ۳۵۹ میلیون دلار داشتند. منابع اصلی این ثروت کیست؟

(America Online) به تنهایی ۱۲۸ میلیون دلار سرمایه دارد. پنج شرکت بزرگی که بیشترین سرمایه را دارا هستند - AOL، یاهو، ای بی، آمازون کام و پرایس لاین کام - ۵۸ درصد کل این بخش را در بازار دارا هستند. اگر پنج شرکت بعدی را حساب کنیم این رقم به هفتاد درصد خواهد رسید (پرکین و پرکین ۱۹۹۹). بنابراین بیشتر سرمایه در دست کمتر از ده شرکت بزرگ است.

سودبرندگان اصلی عصر به اصطلاح اطلاعات مردم نیستند بلکه سرمایه گذاران پولدار، تبلیغ کنندگان و شرکتهای غول آسای معدودی در زمینه رسانه، رایانه و ارتباطات از دور سود برندگان اصلی هستند. این شرکتها نه تنها زیرساختی برای آزادی و مردم سالاری فراهم نخواهند نمود بلکه دنیای اینترنت را با تبلیغاتی پر می کنند که آنها را به صورت مستعمره ای با هدف تغییر وابستگیهای اجتماعی و تبدیل آن به ارتباطات مصرفی درخواهند آورد که مردم را ترغیب به خرج کردن هرچه بیشتر پول و مصرف گرایی خواهد نمود. متمرکز شدن کنترل بر اینترنت در شرکتهای بزرگ بدون شک برای هر ملتی که به دنبال مردم سالاری است فاجعه آمیز است. تمایل به سمت افزایش کنترل متمرکز بر مشارکتها در اواخر دهه ۱۹۹۰ با موجی از طرف رسانه ها تکرار شد. مک چزنی در کتاب خود با نام «رسانه ثروتمند، مردم سالاری فقیر» (۱۹۹۹) نتیجه گرفت که استحاله تدریجی اصل اول آزادی مطبوعات به صورت ابزاری شوم در حفظ قدرت شرکتهای رسانه ای و ثروتمندان درآمده است.

وی بیان می‌دارد که اگر ما به مردم سالاری خود ارج می‌نهیم دنیای اینترنت نیز می‌باید به گونه‌ای در اداره خود بازسازی شود تا با مردم سالاری در یک راستا قرار گیرد.

شبکه‌های غیررسمی

حرکات جدید اجتماعی، ارزشهای جدید در حالی که سلطه بر فن‌آوری یک واقعیت است هیچ فن‌آوری وجود ندارد که بتواند قدرت مطلقه و تسلط کامل را ایجاد کند. در بسیاری موارد هراس (چه واقعی و چه غیرواقعی) از سلطه، از طریق مقاومت، عدم پذیرش، طغیان و تمرد عکس‌العملهای مخالفی را در پایین هرم قدرت ایجاد میکند. (آکنو و کوربریج ۱۹۹۵، داگلاس ۲۰۰۲، بوسکی ۲۰۰۲، فالک ۱۹۹۵) بنابراین مهم است که استفاده کنونی از فرضیه گرامسکی (۱۹۷۱) در مورد سلطه را در نظر بگیریم آنگاه که به جامعه مدنی به عنوان جایی مینگرد که در آن نزاع برای سلطه بین طبقه حاکم و نیروهایی که برای مبارزه با این نیروهای سلطه طلب شکل گرفته‌اند در اینترنت صورت می‌گیرد.

پپیچیدگی جامعه امروزی تلویحاً بیان می‌دارد که با سلطه همواره مقابله میشود همانگونه که همکاریهای جدید به طور مستمر شکل می‌گیرد توافقهایی صورت می‌گیرد و گروههای پیرو متحد میشوند تا با نزاعهای مداومی که مشخصه دوران کنونی است به مبارزه برخیزند.

در چنین فضایی اینترنت چگونه میتواند نه تنها ابزاری در حمایت از مبارزه بر علیه تسلط باشد بلکه به صورت جایگاهی برای مبارزه، محلی برای شکل‌گیری همکاریهای جدید در مقابله با سلطه در بیاید (لیم ۲۰۰۲، ۲۰۰۳a)

این نکته حائز اهمیت است که دریابیم، اینترنت نه فقط به صورت ابزاری اجتماعی و یا تکنیکی برای جامعه مدنی فراملی درآمده است بلکه جایگاهی حیاتی برای منازعات اجتماعی نیز هست.

جاییکه هویت‌های گروهی، ارزشهای اخلاقی و اتحادها ایجاد میشود تا بعدی نمادین و فرهنگی از خود جامعه مدنی خلق شود (لیم ۲۰۰۲، ۲۰۰۳ b در آینده خواهد آمد)

یک حوزه مهم، به پویایی و جنبه خلاق جامعه مدنی فراملی در ارتباط با اینترنت، از طریق شبکه‌های غیررسمی تحرکات اجتماعی مربوط میشود.

با حمایت اینترنت در رفتن ورای مرزهای طبقاتی و جغرافیایی این حرکات اجتماعی، موضوعات جدیدی را بیان نموده و ارزشها و هویت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند که کدهای عمیق تعاملات اجتماعی را در زندگی روزمره به مبارزه طلبیده و به زیر سؤال میبرد. این موضوع به ناچار آنان را به تقابل با هنجارهای تثبیت شده میکشانند که به معنای آنست که فقط می‌توانند خارج از ساختار حاکم بر جامعه مدنی و حکومت فعالیت کنند.

در حالیکه اینگونه جامعه مدنی فراملی ممکن است مورد توجه عده‌ای باشد، سازمانهای حاکم همیشه لزوماً نامطلوب نیستند و عقاید و اهداف جدید نیز لزوماً آزاد کننده و حامی مردم سالاری نیستند. فضای ضدانسانی برخی از این تحرکات اجتماعی و روش غیرعادی آنان بوسیله فن‌آوریهای اینترنتی که کنترل آنان را مشکل میسازد تقویت شده و می‌تواند اختلاف بین دولت و جامعه مدنی را گسترش دهد. در حالیکه اشکال جدیدی از همبستگی ایجاد شده و باعث کثرت وابستگی‌های قدرتی جامعه مدنی می‌گردد. (کین ۱۹۸۸)

مطلوب بودن و یا عدم مطلوبیت این موضوع نمیتواند به صورت انتزاعی حل شود. کثرت، همیشه باعث مردم سالاری نمیشود، جمع بودن، بدون تحمل عقاید و رفتار دیگران فقط باعث تشدید منازعات و پاره پاره شدن جامعه مدنی میشود بدون آنکه مکانیزمی برای دست یابی به راه حلی وجود داشته باشد. (مورد اینترنت و جامعه مدنی در اندوزی را ببینید. لیم ۲۰۰۲، در آینده ارائه خواهد شد.) بنابراین در چنین فضایی این نکته حائز اهمیت است که دریابیم نه تنها چگونه این حرکات به مبارزه با جوهره اصلی ساختار رسمی حکومتی با استفاده از اینترنت بر میخیزند بلکه چگونه راهی را در جامعه مدنی ترسیم میکنند تا بتوان آن را در فرایند کنونی فروپاشی زمان و مکان گسترش داد و به صورتی مردم سالارانه در آورد.

فرایندی که در آن به سیاستها و معارضات در تمامی مقیاسها ورای مکان نگریسته می‌شود. جوهره ذاتی جامعه مدنی در ساختار جهانی سازی در ارتباط با اینترنت چیست؟

ایده حرکات اجتماعی مرتبط در سطح جهان منحصر به زمان کنونی نیست. گروههای خوجوش و حرکات اجتماعی - آنچه را که ما جامعه مدنی می‌نامیم - از قرن نوزدهم در عرض مرزهای سیاسی با یکدیگر مرتبط بوده اند.

اما با ظهور فن آوری شبکه‌ای خصوصاً اینترنت، آنچه که در مورد فعالیت‌های کنونی، متفاوت به نظر می‌رسد حجم صرف افراد درگیر در آن و منابع سازمانی خارق العاده‌ای است که از طریق شبکه‌های به شدت درهم تنیده به حرکت در می‌آیند و سرعت این ارتباط است. در چنین فضایی، نتایجی موافق با آرمان شهر و ضد آن، هر دو امکان پذیر است.

شکل‌گیری هویت در اینترنت

بیش از حد سریع، بیش از حد ضعیف و بیش از اندازه زیاد، احتمالاً خطر حرکات جامعه مدنی کنونی خصوصاً آنانی است که از طریق فن آوری اینترنت گسترش می‌یابند. زمان کافی برای مکث و هضم اطلاعات وجود ندارد چه برسد به آنکه عمق آن را دریابیم. اتصال به شبکه جامعه مدنی به آسانی و سرعت فشار دادن دکمه موشواره است.

با چنین سرعتی در فرایند الحاق، شکل‌گیری هویتها نقشی مهم و حیاتی را ایفا میکنند. به دلیل آنکه طبیعتاً که انتخاب خود را به طور حسی از طریق فیلترهای شخصی و هویت اجتماعی انجام دهیم (ملحق شدن، پذیرفتن، باور داشتن یا نه) شکل‌گیری سازمان جامعه مدنی (فراملی) از شکل‌گیری هویت جدانشدنی است، فرایندی اجتماعی که برگرد مشارکت با دیگران می‌چرخد و در ما به عنوان موجوداتی انسانی به ودیعه گذاشته شده (کسلز ۱۹۹۸).

بنابراین هویت نیرویی پیش برنده در شکل‌دهی هر سازمان اجتماعی مدنیت که شامل شکل‌گیری شبکه‌هایی نیز می‌شود که نشانهای هویتی مطلوب را برجسته نموده و ناسازگاریها را تصفیه می‌نمایند. چگونه اینترنت این شکل‌گیری هویت را تسهیل می‌بخشد؟

اینترنت هنگامیکه از بند دولت و دیگر قوانین آزاد باشد از طریق توان و ظرفیت خود برای ساختن شبکه‌هایی بوسیله تصاویر، علائم و اطلاعات در اطراف دنیا در یک چشم به هم زدن قادر است این شکل‌دهی هویت را به صورتی بسیار سریع و در سطحی وسیع انجام دهد. بنابراین با کمک اینترنت، فرایندهای ایجاد هویت بسیار شدید است (لیم ۲۰۰۲، در آینده ارائه خواهد شد)

آنان همچنین میتوانند به زمینه‌های محلی ملحق شوند درحالیکه در همان زمان بیانگر گرفتاریها، رنجها و قربانی شدنهای گروه هدف در سطح جهانی هستند.

البته هویتی که در جریان اطلاعات بوسیله اجتماع مدنی خاصی گسترش مییابد همواره با تمامی انواع دیگر هویتها در رقابت خواهد بود خصوصاً آنانی که بوسیله بازار (اقتصاد جمعی) در اشکال اسپم (پستهای ناخواسته الکترونیکی) وب سایتهای مستهجن، بازیها و غیره ارائه می‌شوند. بخش بزرگی از کاربران اینترنتی جذب این نوع کلکها شده و بوسیله این جریان به صورت مصرف کنندگانی در می‌آیند که برچسب اشیاء مورد استفاده شان به صورت هویتشان در می‌آید.

البته افراد دارای هویت‌های چندگانه هستند آنان می‌توانند به هر سازمان یا گروه و یا حرکتی که با تمایلات آنها برای انواع خاصی از هویتها همسو باشد ملحق شوند. در این حالت قویترین هویت و نوعی از شکل گیری هویت که کمترین پیچیدگی را داشته باشد احتمال بیشتری دارد که بوسیله انتخاب برای پیوستن به گروه، سازمان و یا فعالیتی خاص دنبال شود.

در این حالت احتمالاً مذهب قویترین هویت است. البته آسانترین و سریعترین هویت سازی معمولاً براساس دشمن مشترک بنا می‌شود و نه شباهتهای مشترک. بنابراین گسترش نفرت مؤثرتر از گسترش اطلاعات پیچیده‌ای است که این موضوع را می‌طلبد که شخص دریافت کننده اطلاعات، شخصاً در مورد صحت و سقم آن تحقیق نماید. در این حالت تمایل به باور کردن می‌تواند از تمایل محقق برای اثبات حقایق قویتر باشد. به این صورت اینترنت می‌تواند هویت سازی براساس نفرت را تقویت بخشد. بنابراین با کمک اینترنت، جامعه مدنی فراملی بیش از هر زمان دیگری میتواند احساسات منفی بر علیه نژاد، مذهب و یا کشور خاص را تقویت نماید. در اینترنت فرایندی برای تأیید و صحت گذاری برحقیقت پشت احساسات و نفرت وجود ندارد. بنابراین اینترنت میتواند ابزاری برای تحریف تجارب و هویتها درآمده نفرت را گسترش دهد و عدم تحمل یکدیگر را تقویت نماید.

این زمینه‌ای مساعد برای نارضایتی تحریف شده و طرفداری غیرمسئولانه است. این به منای آن نیست که بگوییم جامعه مدنی لزوماً به آن سو خواهد رفت. همیشه میتوانیم امیدوار باشیم که برخورد غیرخشنونت آمیز دیگر بخشهای جامعه مدنی به صورت هنجار درآید. همچنین می‌دانیم که هر جامعه‌ای دارای قلدرهایی است که مایلند از طریق زور و تعدی کسب قدرت نمایند. خود اینترنت راه روشنی برای خروج این اسکان ارائه نمی‌نماید.

استفاده از اینترنت بوسیله جامعه مدنی فراملی برای تغییرات اجتماعی: رویایی از آرمان شهر؟
با درک این مطلب که ارتباط بین اینترنت و جامعه مدنی فراملی نمیتواند از نظام جهانی سرمایه داری با حاکمیت شرکتهای فراملی جداگردد و درک این حقیقت که دنیای امروزی دارای عناصری غیرمدنیست آیا باید به این نتیجه برسیم که استفاده مناسب از اینترنت برای تغییرات اجتماعی بوسیله جامعه مدنی فراملی فقط رویارویی از آرمان شهر است؟ نه لزوماً.

در آغاز می باید دریابیم که در دهه اخیر نیروی سیاسی غالب در پس پیدایش جامعه مدنی فراملی در واقع ائتلافی از سازمانهای بین دولتی همچنین سازمانهای دولتی و فراملی بوده است.

در حالیکه این موضوع میتواند به صورت غیرسیاسی و تعادلی بودن جامعه مدنی فراملی دیده شود همچنین باعث تقویت رشد و همبستگی خود زیرساختهای جامعه مدنی می گردد. جامعه مدنی فراملی چه طرفدار و چه مخالف جهانی سازی باشد نمی تواند خود را از سیستم جهانی جدا نماید. برای بسیاری از فعالان در گروههای جامعه مدنی فراملی، برخی از مشکلات اساسی شامل وجهی جهانی است و بنابراین آنان تلاش خود را بی ثمر میبندند. اگر به مبارزه با عواقب سرمایه داری جهانی در سطح جهان بر نخیزند. در اینجا این متناقض نما (پارادوکس) لازم به یادآوری است که گسترش شبکه ارتباطی ارزان با دسترسی به اینترنت، عوامل و بازیگران جامعه مدنی را قادر ساخته تلاشهای خود را در سطح جهانی بسیج نمایند. بنابراین می تواند بحث شود که تکثیر جامعه مدنی فراملی هم از جهانی سازی تغذیه می کند و هم به آن خصوصاً به جنبه عواقب سرمایه داری جهانی و شبکه های آن عکس العمل نشان می دهد (آنهیر و همکاران ۲۰۰۱)

این نکته حائز اهمیتست که دریابیم جامعه مدنی دارای ماهیتی معصومانه نیست. از نقطه نظر وجود شرکتهای فراملی، اغلب میدانیم که بسیاری از سازمانهای جامعه مدنی با این شرکتهای همکاری می کنند و عملکردهایی چندگانه دارند هم به اجتماع خدمت می کند و هم منبعی درآمدزا هستند. در حقیقت اغلب، اینترنت و دیگر زیرساختهای ارتباطی برای سازمانهای جامعه مدنی از طریق شرکتهای فراملی تأمین می شود. این نکته را نمیتوان منکرشد که منظر فضای سیاسی دنیا بوسیله نظام اقتصادی جهانی و با حمایت عوامل مادی خاص، مانند پیشرفت در زمینه ارتباطات (خصوصاً اینترنت) و تحرک بالای سرمایه، تغییر شکل یافته است. همچنین این نکته حائز اهمیت است که دریابیم وجود جامعه مدنی

فراملی نباید به صورت مفهومی تمام مثبت در نظر گرفته شود. ارزشهای پشت سر اشکال سازمانها میباید بخشی از فهم ما، در درک نقش و اهمیت جامعه مدنی در فرایندهای مردم سالاری باشد و اینکه چگونه اینترنت به صورت حالتی در ایجاد تغییر و جریان ارزشها درآمده نمی باید از نظر دور شود. در انتها پس از مطرح کردن این مسائل، چه پیشنهادی می تواند ارائه شود؟

۱. شرکت در جامعه مدنی فراملی را محلی نموده و یا از مرکزیت خارج نماید (اکلاس و فریدمن ۱۹۹۸). ما می باید سازمانهای مسئول محلی بسازیم و به سازمانهای جهانی چه W TO و یا صلح سبز و غیره دسترسی داشته باشیم.

۲. فقط از طریق چنین مکانیزمی میتوانیم به صورتی مردم سالارانه پیش رفته و گونه هایی از واقعیت را با یکدیگر سنجیده و انواع متنوع هویتها را در جهان خود به بحث گذاشته و تطبیق نماییم. ایده منحنی ترجیح واحد برای جامعه مدنی فراملی - مانند مردم سالاری - وجود ندارد و نمیتواند از بالا تحمیل شود. (یعنی که فقط ایده ای واحد بر دیگر ایده ها ترجیح داده شود و از بالا تحمل گردد).

۳. به مقاومت در مقابل هر نیروی سلطه طلب جهانی چه اقتصادی، مذهبی و یا غیردینی را ادامه دهیم که تمتع روح انسانی را مانع میشود، روحی که به همان اندازه که مادی است اجتماعی و روانی نیز می باشد.

۴. نظارت در تمامی سطوح را مردم سالارانه نمائیم تا هر شکلی از قاعده مندی را براساس شامل نمودن صداها و جامعه مدنی و نه مجزا نمودن آنها ایجاد نمائیم. اینترنت در این زمینه می تواند نقشی حیاتی را ایفا نماید. (لیم ۲۰۰۲) اما این نقش بدون سازماندهی شکلهای جدید نظارت جامعه به صورتی متمرکز و بی دوام باقی خواهد ماند.

۵. استفاده از سازمانهای بین المللی برای پیشبرد حقوق اصلی بشر، کاهش فقر و نظارت مردم سالارانه برای کمک به بنای زیرساخت جامعه مدنی فراملی به صورت داوطلبانه مورد نیاز است. در جائیکه مسائل خاصی چون استفاده از اینترنت برای برنامه های مستهجن در مورد کودکان و قاچاق انسان بتواند در میان دولتهای ملی موافقانی کسب کند، این موضوعات نیز می باید مطرح شود. اما احتمالاً نظارت مستقیم بر اینترنت برای چنین اهدافی قابل دسترسی

نیست حتی اگر مورد نظر باشد. بلکه هدف آنست که به سمت دستیابی به ساختاری در درون هر جامعه برای چنین نظارت‌هایی حرکت و کار کنیم و این خود، کاری ارزشمند و خارق العاده است. در اینجا هدف از این بحث تقابل دیدگاه‌های آرمان شهری و ضدآرمان شهری در آینده نیست بلکه شناسایی مسائل کلیدی در استفاده از اینترنت برای بالا بردن جامعه مدنی از ریشه‌های تاریخی آن به سمت شبکه‌ای فراملی از مردم سالاری مشارکتی است. با در نظر گرفتن این هدف این امید وجود دارد که بتوان تحقیقات بیشتری را در مورد راه‌هایی را اتخاذ کرد که در واقع اینترنت می‌تواند از زمینه‌های محلی بالاتر رود جایی که اوضاع مادی و شکل‌های ایدئولوژیک، زیرساخت‌های بالقوه برای چند سرایی جامعه مدنی جامعه و مقاومتی را که امروزه بسیار درباره آن می‌شنویم را شکل می‌دهد.

منابع:

- Agnew, J. and S. Corbridge (1995), *Mastering Space: Hegemony, Territory and International Political Economy*, London: Routledge.
- Anheir, Helmut, Marlies Glasius, and Mary Kaldor (Eds) *Global Civil Society* 2002, Oxford: Oxford University Press.
- Barber, B. (1996) *Jihad vs. McWorld: How Globalism and Tribalism are Reshaping the World*, New York: Ballantine Books.
- Boski, Joseph (2002), "Responses to State Actors to Insurgent Civic Spaces since the WTO meetings at Seattle" in Douglass (2002), pp. 363-381.
- Castells, Manuel (1998), *Power of Identity: The Information Age - Economy, Society and Culture*, Oxford: Blackwell.
- Douglass, Mike and John Friedmann, eds. (1998), *Cities for Citizens: Planning and the Rise of Civil Society in a Global Age*, London: John Wiley.

- Douglass, Mike, ed. (2002), "Special Issue on Globalization and Civic Space in Pacific Asia," *International Development Planning Review*, 24:4, Nov., Liverpool University Press, includes 6 articles, pp. 345-449.
- Falk, R. (1995) *On Humane Governance*, Cambridge: Polity.
- Gramsci, A. (1971) *Selections from the Prison Notebooks*, (ed. and trans. by Q. Hoare and G. Nowell-Smith), London: Lawrence & Wishart.
- Keane, J. (1988) *Democracy and Civil Society*, London: University of Westminster Press.
- Lin, Merlyna (2002), "CyberCivic Space in Indonesia: From Panopticon to Pandemonium?" in Douglass (2002), pp. 383-400.
- Lin, Merlyna (2003a), "The Internet, Social Network and Reform in Indonesia" in N. Couldry and J. Curran (eds.), *Contesting Media Power: Alternative Media in a Networked World*, Rowan & Littlefield, pp. 273-288.
- Lin, Merlyna (2003b), "From War-net to Net-War: The Internet and Resistance Identities in Indonesia", *The International Information & Library Review Elsevier Publisher*, Vol. 35 / 2-4, pp. 233-248.
- Lin, Merlyna (forthcoming), "Un-negotiated Truth: the Polarization of Identity through the Internet and the Struggle for Democracy in Indonesia", *Electronic Journal of Communication*.
- McChesney, Robert W. (1999), *Rich Media, Poor Democracy*, University of Illinois Press.
- Perkins, Anthony B. and Michael C. Perkins (1999), *The Internet Bubble: Inside the Overvalued World of High-Tech Stocks — And What You Need to Know to Avoid the Coming Shakeout*, HarperBusiness.

- Surman, Mark and K. Reilly (2003) *Appropriating the Internet for Social Change: Towards the Strategic Use of Networked Technologies by Transnational Civil Society Organizations*, report of the Information Technology and International Cooperation program at the Social Science Research Council.
- UNCTAD (1999), *World Investment Report*, Geneva: United Nations.